

شهروند مسئول

این بیان که شما دو جداره دینتان را حفظ بکنید، روشن‌تر از آن بیان است که فرمود برای دینتان یک دیواری رسم بکنید؛ احتیاط کردن «حَذِّ الحائِطَةِ لدینک» یعنی با یک جدار، دینتان را حفظ بکنید.



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و صلي الله علي جميع الأنبياء و المرسلين والأئمة الهداة المهديين سيّما خاتم الأنبياء و خاتم الأوصياء (عليهما آلاف التحية و الثناء) بهم نتولي و من أعدائهم نتبري إلی الله.
[....]

جریان امر به معروف و نهی از منکر به چهار عنصر اصلی وابسته است؛ عنصر نخست آن است که جامعه به معروف موفق بشود، معروف را بشناسد، باور و عمل کند و تبلیغ. منکر را بشناسد، باور کند که زشت است پرهیز کند و تبلیغ، اگر این دو کار انجام شد آن‌گاه نسبت به دیگران وظیفه و رسالت جامعه این است که امر به معروف کند، چون خودش مؤتمراً به معروف است، نهی از منکر کند، چون خودش منتهی است این چهار عنصر محوری را در کتاب‌های فقهی کنار هم می‌بینید. این چنین نیست که مسأله امر به معروف باشد ولی فعل معروف نباشد. آن چنان نیست که نهی از منکر باشد ولی پرهیز از منکر نباشد. هم به ما گفتند چه بکنید، هم به ما گفتند چه نکنید. بعد به ما گفتند به چه چیز امر کنید و از چه چیز نهی کنید.

امنیّت جامعه را فراهم کردن، امانت عمومی را عملاً نشان دادن، شغل‌های مناسب تولید کردن، اقتصاد معتدل و معقول و مقبول را ترویج کردن، بیکاری را برطرف کردن، اینها از معروف‌هایی است که همه ما به آن موظفیم. معاصی الهی را ترک کردن و زشتی آن را درک کردن از رسالت‌های اصلی همه ماست.

اما اگر خواستیم امر به معروف و نهی از منکر بکنیم، باید درست عنایت کنیم. معروف چیزی است که نزد شریعت به رسمیت شناخته شده و معرفه باشد. برای کشف اینکه این شیء نزد شریعت معروف است، معرفه است. دو چراغ در دست است یکی چراغ عقل، یکی چراغ نقل، عقل در مقابل نقل است، نه در مقابل شرع.

با دلیل عقلی می‌توان دریافت چه چیزی در پیشگاه شریعت معرفه است با برهان نقلی می‌توان کشف کرد، چه چیز در ساحت مقدس شریعت معرفه است. منظور از معرفه بودن آن است، چه چیز را دین به رسمیت می‌شناسد. پس از شناخت عقلی یا نقلی نسبت به معرفه بودن و به رسمیت شناخته شدن چیزی در پیشگاه شریعت، آن‌گاه نوبت به اجرا می‌رسد.

مسأله امر به معروف در کنار نهی از منکر است که نهی از منکر هم مثل امر به معروف عبارت از این است چیزی که نزد صاحب شریعت نکره است؛ یعنی شناخته نشد؛ یعنی به رسمیت شناخته نشد. آن می‌شود منکر. برای کشف از منکر بودن چیزی در ساحت شریعت دو دلیل و دو چراغ در دست داریم؛ یکی چراغ عقل و دیگری چراغ نقل. با دلیل عقلی می‌توان فهمید چه چیزی در پیشگاه شریعت به رسمیت شناخته نشده و با برهان نقلی، می‌توان فهمید چه چیزی در صحنه شریعت به رسمیت شناخته نشده. آنچه به رسمیت شناخته نشده می‌شود، نکره و منکر، آنچه به رسمیت شناخته شده، می‌شود معرفه و معروف؛ این مطلب نخست.

مطلب دوم آن که جریان امر به معروف و نهی از منکر، غیر از تعلیم و تبلیغ و غیر از ارشاد و موعظه و نصیحت و پندها و اندرزهاست. امر به معروف فرمان است. نهی از منکر هم فرمان است؛ بکن و نکن. اگر جامعه‌ای مطلبی را نمی‌داند، فرد یا گروهی از مطلب بی‌خبر است، تعلیم آنها واجب است و این تعلیم از سنخ امر به معروف و نهی از منکر نیست. اگر فرد یا گروهی جاهل نیست، لکن غافل است یا ساهی است یا ناسی است یا مضطرب و مجبور و ملجأ و مانند آن است، باید آن عذر را برطرف و غافل را متنبّه، ناسی را متذکر و ساهی را متذکر کرد، اضطراب مضطرب را برطرف نمود، الجاء ملجی را برطرف و جبر مجبور را برطرف نمود تا مشکلات آنها حل بشود.

هیچ کدام اینها از سنخ امر به معروف یا نهی از منکر نیستند. ممکن است گاهی با عنایت و مجاز واژه امر به معروف و نهی از منکر را در این امور کسی به کار ببرد، ولی هیچ کدام از اینها امر به معروف نیستند.

مطلب بعدی آن است که امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که کسی عالماً عامداً با اینکه می‌داند فلان کار واجب است، ترك می‌کند. عالماً عامداً با اینکه می‌داند فلان کار حرام است، انجام می‌دهد. در چنین جایی، سخن از امر به معروف و نهی از منکر فرد و امت اسلامی است که فرد یا جامعه باید فرمان صادر کند، به گونه‌ای که این معروف عمل بشود و آن منکر ترك بشود؛ بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، يك مرحله ولایت متقابلی است که مؤمنان نسبت به یکدیگر دارند که الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ اینها بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ هستند. این ولایت متقابل به صورت يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ جلوه می‌کند.

مطلب بعدی آن که این وظیفه مشترك میان مردم و دستگاه حکومت است. هم هیأت حاکم موظف است، هم امت و جامعه؛ منتها بخشی مربوط به جامعه است و بخشی مخصوص به هیأت حاکم و دستگاه حکومت. آنکه مشترك است، گفتن زبانی و انزجار قلبی است؛ بنابراین، بر همگان لازم است که نسبت به منکر و کسی که مبتلا به منکر است، انزجار قلبی داشته باشند. بر همگان لازم است، چه مسئولان حکومت چه افراد عادی وقتی کار زشتی را می‌بینند با چهره معترض و منتقّر نگاه بکنند، نگاه معترضانه و نگاه منتقّرانه داشته باشند. در صورتی که می‌دانند این شخص مبتلا به این گناه عالماً عامداً دارد پرده‌دري می‌کند، اگر برای آنها روشن نشد که این عالم عامد است، احتمال جهل، سهو، نسیان، غفلت، اضطراب، الجاء، اجبار و مانند آن می‌دهند دیگر جا برای امر به معروف نیست باید مقدمات آن امور را گذراند تا به امر به معروف رسید.

اگر جایی مشخص شد، کسی عالماً عامداً دارد پرده‌دري می‌کند، چه بر مسئولان نظام چه بر افراد عادی، واجب است که با نگاه اعتراض‌آمیز و چهره خشم‌آلود و صورت متنفرانه با او برخورد کنند. این نخستین مرحله است. پس از آن، انزجار قلبی. انزجار قلبی، آغاز این امر به معروف و نهی از منکر است؛ برافروختگی چهره و نگاه معترضانه و نقادانه، مرحله بعدی است و اعتراض زبانی، مرحله دیگر است و اگر از این مراحل کسی طرّفي نبست، با دست و اعضا و جوارح باید جلوی آن منکر را بگیرد تا این فساد رخنه نکند؛ این مشترك است بین مسئولان نظام و امت اسلامی.

اما آنچه ویژه مسئولان نظام است و دستگاه حکومت موظف است، آن را انجام بدهد، جلوگیری قهرآمیز است که گاه با ضرب همراه است و گاهی با بالاتر از ضرب. اگر کسی ببیند بیگانه‌ای درصدد انفجار مرکزی و خونریزی افراد بیگانه است، اگر این شخص دست به چنین جنایتی زد، دستگاه قضا وارد صحنه می‌شود و به این شخص مجرم می‌گوید چرا کردی، ولی پیش از اینکه مرتکب بشود، دستگاه امر به معروف و نهی از منکر حکومت می‌گوید نکن.

فرق جوهری امر به معروف و نهی از منکر با تعزیرات و حدود آن است که در جریان تعزیر و حدود تنبیه می‌کنند. می‌گویند: چرا کردی؟ در جریان امر به معروف و نهی از منکر همین کارها را انجام می‌دهند، می‌گویند: نکن، بنابراین، آنچه در امر به معروف و نهی از منکر هست با آنچه در دستگاه قضایی است، یکی دفع است و دیگری رفع که فرق فراوانی دارند.

این کار را ذات اقدس الهی در قرآن کریم بر همه مؤمنان به عنوان ولایت متقابل واجب کرد (يك) گذشته از قرآن، در تورات و انجیل وجود مبارك پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - را به این وصف ممتاز ستود و معرفی کرد (دو) وصف پیغمبر در کتاب‌های آسمانی این است که يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ پیامبر (ص) در کتاب‌های انبیای پیشین چنین وصف شده است، او خصوصیتش این است که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند.

برخی این امر به معروف و نهی از منکر را واجب عینی دانستند. معروف، واجب کفایی است آنها که می‌گویند واجب عینی است، می‌گویند وقتی دیگری اقدام کرد، موضوع منتفی است، نه اینکه حکم منتفی شده باشد. بالاصاله آنها که می‌گویند واجب کفایی است و با اقدام معقول و مقبول برخی حکم ساقط می‌شود، ولی گروه نخست که آن را واجب عینی می‌دانند که ظاهراً محقق در شرایع هم از همین گروه است که آن را واجب عینی می‌دانند، می‌گویند اگر یکی اقدام کرد، چون موضوع ساقط است از دیگران ساقط می‌شود، نه اینکه موضوع هست و از دیگران ساقط می‌شود.

به هر تقدیر وصف ممتاز پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در کتاب‌های انبیای گذشته، همان جریان فرمانروایی نسبت به معروف و نسبت به منکر است. در قرآن کریم جریان امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه و بهره‌کسانی می‌داند که سهمی از بقا و جاودانگی

دارند فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ؛ این مضمون با تفاوت گوناگون در قرآن کریم است أُولُوا بَقِيَّةً كَهِيبَةً عَنِ الْقِسَادِ افراد ماندگار برای آن هستند که بقیة السلفند یا بقیة الماضین اند و مانند آن یا برای اینکه بقیة الله اند البته بقیة الماضین، بقیة السلف و مانند آن چنان فخري را به همراه ندارد که لقب پرافتخار بقیة الله آن فخر را به همراه دارد.

کلمه بقیة الله این لقب پرافتخار در عصر کنونی ویژه وجود مبارک ولی عصر - ارواحنا فداه - است ولی عالمان دین که قائم مقام آن حضرتند، نایبان آن حضرتند. حرف امام و معصومشان را فراگرفته و به دیگران منتقل می کنند. این همان است که قرآن کریم از آنها به عنوان اولوابقیه یاد می کند.

اولوابقیه نظیر اولوالألباب نظیر اولوالأبصار است. اگر وجود مبارک ولی عصر - ارواحنا فداه - بقیة الله است، عالمان دین که راهیان راه همان حضرتند، نایبان راستین همان حضرتند. آنها اولوابقیه اند؛ یعنی بقیة الله اند بالتبع در قبال بقیة الله بالأصل که وجود مبارک ولی عصرند. اینها هستند که می مانند، چون در قرآن کریم از علمای راستین به عنوان اولوابقیه یاد شد.

وجود مبارک امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (ع) از عالمان دین که به توفیق امر به معروف و نهی از منکر موفقند، فرمود: «؛العلماء باقون ما بقي الدهر؛ اگر عالمان راستین سهمی از بقا دارند، برای آن است که خدای سبحان، نام اینها را زنده نگه داشت و زنده نگه می دارد؛ بنابراین، کسانی که سهمی از بقا دارند، اینها اولوابقیه اند و تلاش می کنند بقای خود را در جاودانگی دین جستجو کنند، برای اینکه دین جاوید بماند می کوشند جامعه به معروف موفق شود و از منکر پرهیز کند.

نشان این کار را شما در بیانات نورانی امیرمؤمنان علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - می بینید و می بینید که حضرت فرمود: اگر کسی این فضیلت را ترك کرد (امر به معروف و نهی از منکر) رسالت خود را ایفا نکرد؛ «؛ذلك ميت الأحياء» در بین زنده ها يك مُرده متحرک است. يك حرکت مذبحانه دارد و به حسب ظاهر در بین زنده هاست، ولی واقعاً مرده است؛ «؛ذلك ميت الأحياء».

در بیان نورانی دیگر از خاندان عصمت و طهارت آمده است: شما برای دینتان آن کوشش و تلاش را بکنید که «؛لتكون كلمة الله هي العليا» برای اینکه کلمة الله، علیاء باشد و امر الهی احیا بشود. باید جامعه را به سمتی ببرید که معروف زنده بشود و منکر از پا درآید و رخت بربندد.

چنین کاری را وجود مبارک امیرمؤمنان (ع) با این دستور خاصی که به عرضتان می رسد، پیش بینی کرد. فرمودش ما درباره دینتان مهمترین تصمیم را بگیرید؛ «؛أخوك دينك فاحتط لدينك» چون اگر امر به معروف و نهی از منکر از جامعه رخت بربندد، فساد دامنگیر می شود.

هر کسی در دودمان و خاندانش مبتلا به این رذیلت ها خواهد شد، حضرت فرمود: «؛أخوك دينك فاحتط لدينك» این تقدیم خبر بر مبتدا نشانه حصر است؛ یعنی هر انسان عاقل يك برادر دارد و آن دین اوست. نفرمود دین تو برادر توست. فرمود برادر تو، دین توست یعنی تو يك برادر داری و آن دین است؛ بنابراین، احتیاط بکن، احتیاط کردن در دین آن است که انسان دین را در هسته مرکزی هویت خود قرار بدهد. اطرافش را حائط و دیوار بکشد تا دوستی بیرون نرود و دشمنی سرکشی نکند و نیاید احتیاط کردن یعنی دیوار کشیدن.

در روایت دیگر فرمود: «؛خذ الحائطة لدينك» به کمال و امثال کمال فرمود: شما دیوار دور باغ دینتان بکشید. این شجره طیّبه ای که آبیاری کردید و ثمربخش شد. در دست بیگانگان قرار نگیرد. دینتان را در میان بگذارید، دورش را دیوار بکشید تا هر کسی طمع نکند پیشنهاد باطل به شما ندهد و برای اینکه دین از هر نظر در امان بماند، دو دیوار دورش بکشید؛ يك دیوار جان، يك دیوار مال. دین تمام هویت انسان را تأمین می کند، نه تنها انسان باید آن را با دیوارهای ظاهری حفظ بکند، بلکه با دو جدار با دو دیوار، دین را در هسته مرکزی هویت خود قرار بدهد و نگه دارد.

آن بیان نورانی وجود مبارک امیرالمؤمنین در حدیث دیگر است که آن را هم صاحب وسائل - رضوان الله علیه - نقل کرده، فرمود: اگر حادثه تلخی رخ داد و به دین شما می خواهد اصابت کند، «؛فأجعلوا أموالكم دون أنفسكم» یعنی آن جدار اول آن دیوار اول، دیوار مال باشد امکاناتتان، ملتان، قدرتتان، آنها را در خط مقدم و خاکریز مقدم قرار بدهید که دشمن به جانتان سرایت نکند با مال، جانتان را حفظ بکنید و اگر این رخداد تلخ جلوتر آمد، این بلیّه جلوتر آمد. این حادثه نزدیکتر شد «؛فأجعلوا أنفسكم دون دينكم».

در این خاکریز دوم، در این خاکریزی که به دین نزدیکتر است، جانتان را خاکریز دوم قرار بدهید که اگر حادثه آمد به جانتان آسیب برساند و دینتان محفوظ بماند، وقتی به جانتان آسیب رسید و از بین رفتید، دیگر کسی کاری به دین شما ندارد، با دین در امان سفر می کنید.

این بیان که شما دو جداره دینتان را حفظ بکنید، روشن‌تر از آن بیان است که فرمود برای دینتان یک دیواری رسم بکنید؛ احتیاط کردن «خذ الحائطة لدينك» یعنی با یک جدار، دینتان را حفظ بکنید. اگر احساس خطر کردید، دو جداره کنید؛ یکی مال و دیگری جان تا دینتان در امان بماند.

جریان امر به معروف و نهی از منکر از همین قبیل است. هر حادثه تلخی که ما در جامعه دیدیم، نخستین فریضه و وظیفه ماست که با نگاه منتقدانه و معترضانه با چهره متنفرانه بنگریم. اگر کسی بی‌حجابی را دید و هیچ واکنشی نشان نداد، هم آن بی‌حجاب گناه کرده و هم این بی‌تفاوت معصیت کرده است. این باید با چهره منتقدانه او را نگاه کند. با نگاه معترضانه به او بنگرد که این شخص حجاب خود را حفظ نکند. این شخص عفاف خود را حفظ نکند یا اگر کسی گرفتار رشا یا ارتشا یا گرفتار اختلاس و سوء استفاده از مال یا گرفتار سوء استفاده از قدرت و مقام و مانند آن شد، بر جامعه و مسئولان لازم است که نگاه منتقدانه و چهره عبوسانه و معترضانه و برخورد زبانی این‌چنین با او داشته باشند.

حالا مراحل بعدی که اعتراض‌های دست و امثال دست است، حساب دیگری است. با این کار فرمود درهای رحمت الهی به روی شما باز می‌شود، فساد از جامعه رخت برمی‌بندد، اگر سایر امور را مسئولان – ان‌شاءالله – رعایت بکنند، این دو فریضه می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند.

«غفر الله لنا و لكم و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

متن پیام ایت الله جوادی املی به همایش بین‌المللی «شهروند مسئول در تبیین فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر»